

انتظار فرج (۱)

میلاذ مسعود خاتم اوصیا، دوازدهمین اختر تابناک برج امامت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به مسلمانان جهان به ویژه شیعیان، بالخصوص شما حاضران در این مسجد مقدس جمکران تبریک می‌گوییم. چون یکی از وظایف مسلمانان در عصر غیبت، انتظار فرج آن حضرت است موضوع را همین قرار می‌دهیم:

چنان که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ ولسی این ارزش اخلاقی، به صورت ضد ارزش درآمده است.

توضیح این که صبر به معنای استقامت و پایداری در راه هدف مقدس است. مثلاً کسی که می‌خواهد قلعه «اورست» را تسخیر کند، بدون صبر و بردباری نمی‌تواند بر آرزوی خود، جامه

انتظار فرج یکی از وظایف شیعیان خالص اهل بیت علیهم السلام است ولی این مفهوم سازنده گاهی به صورت نادرست تفسیر می‌شود. این نه تنها مفهوم انتظار فرج است که دستخوش تحریف گشته، بلکه برخی از آموزه‌های اخلاقی نیز دچار همان انحراف شده است، مثلاً صبر و بردباری یکی از صفات برجسته مردان خداست، تا آنجا که پاداش آن را فقط خدا می‌تواند تعیین کند،

عمل بپوشاند، سربازی که می‌خواهد دزهای دشمن را بگشاید با نیروی صبر و مقاومت می‌تواند بر دشمن چیره گردد.

انسانی که می‌خواهد رضایت خدا را در حلال و حرام به دست آورد، باید با نیروی صبر در تابستان گرم روزه بگیرد و از حرام چشم بپوشد. بنابراین، صبر پایه‌ایمان و اساس آن است، و لذا در بعضی از روایات آمده است: «الصبر من الإيمان كالرأس من الجسد» ولی متأسفانه، این ارزش اخلاقی به ضد ارزش تبدیل شده، و به معنی تنبلی و دست روی دست نهادن و تحمّل زور و ظلم از ستمگر تفسیر می‌شود، در حالی که این تفسیر، نه مورد پذیرش قرآن است، نه سنت پیامبر و نه روش امامان شیعه.

قرآن مجید، ما را به نبرد با ستمگر دعوت می‌کند، نه دست روی دست گذاردن، چنان که می‌فرماید: «وإن طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فأصلحوا بينهما فإن بغت إحداهما على الأخرى فقاتلوا التي تبغي حتى تفيئى إلى أمــــر الله» (حجرات/ ۹).

«هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم درگیر شدند، میان آنان آشتی دهید و اگر یکی بر دیگری زور گفت با زورگویان بجنگید تا به فرمان خدا گردن نهد».

آیا چنین کتاب عزیزی می‌تواند صبر را به معنی «توسری خوردن» و سکوت در برابر دشمن بپذیرد.

چه نیکو سروده حافظ شیرازی:

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند

بر اثر صبر نوبت ظفر آید

بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر

بار دگر روزگار چون شکر آید

امیر مؤمنان از مولایش پیامبر اعظم ﷺ نقل

می‌کند که آن حضرت فرمود: «لن تقدس

أمة لا يؤخذ فيها للضعيف حقه من القوى

غير متع».

«هر جامعه‌ای که در آن حق ضعیف

بی‌درنگ از قوی گرفته نشود، روی خوش

نمی‌بیند».

بنابراین، باید مفهوم صبر را چنان که

قرآن و حدیث می‌گویند تفسیر کرد و آن را

يك اصل سازنده تلقی نمود، نه يك اصل

تنبل‌پرور بود، که نمی‌توان آن را جزء تعالیم

عالی اسلام شمرد.

تحریر مفهوم انتظار

عین این مشکل در مفهوم انتظار نیز پیش آمده است. انتظار، نور امیدی است که در دل انسانها وجود دارد، در مقابل انسان‌های ناامید که از هر نوع فعالیت باز می‌مانند، و این شریعت آسمانی است که در مقابل مادّیها، نور امید را روشن کرده و می‌گوید آینده بشریت در اختیار شایستگان است ﴿إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء/ ۱۰۵) بنابراین برای پدید آمدن چنین روزی شرایط و آمادگی‌هایی لازم است که باید آنها را فراهم سازیم، و گرنه دست روی دست گذاردن و فقط امید به آینده انتظاری بی‌محتواست.

انتظار حضرت ولی عصر (عج) از بهترین اعمال اسلامی است طبق حدیثی که پیامبر فرموده است: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ».

«بهترین اعمال امت من، انتظار فرج

است».

مسلماً این عمل باید، يك عمل سازنده باشد که زمینه را برای ظهور فرج آماده سازد. این تفسیر ایجاب می‌کند که انتظار فرج به معنی فعالیت برای اصلاح

جامعه، و فراهم آوردن عده و عده برای مصلح جهانی باشد، و این جز با تلاش در راه امر به معروف و نهی از منکر و تربیت اولاد و تأسیس سازمان‌های علمی و اخلاقی امکان پذیر نیست.

گاهی دیده می‌شود که برخی انتظار را به معنی تعطیل دستگاه امر به معروف و نهی از منکر و هر نوع عمل سازنده تفسیر می‌کنند و می‌گویند باید صبر کنیم و انتظار بکشیم تا صاحب دین، خود بیاید و کارها را درست کند و نظام را بپاراید. انتظار به این معنی، تحریف جاهلان و ناآگاهان است، و مفساد آن این است که احکام اجتماعی اسلام تا ظهور حضرت ولی عصر (عج) به صورت تعطیل درآید و کسی کاری را صورت ندهد.

چنان که گذشت پیامبر گرامی ﷺ می‌فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ»: «بهترین اعمال امت من، انتظار فرج است».

آیا يك عمل منفی می‌تواند افضل اعمال باشد؟
طبعاً باید انتظار، يك عمل مثبت و مفید باشد تا چنین فضیلتی داشته باشد. ما

در این جا با مثالی گفتار خود را به پایان می‌بریم:

فرض کنید فردی منتظر میهمان جلیل القدری است که وارد خانه او شده و ساعاتی در آنجا درنگ خواهد کرد، آیا منتظر این میهمان دست روی دست می‌گذارد، و لوازم زندگی و استقبال این میهمان را فراهم نمی‌سازد و وسایل پذیرایی را تدارک نمی‌بیند؟ می‌پرسیم: چرا درباره آمدن يك مهمان عادی به حرکت و تلاش می‌پردازیم، اما در انتظار میهمان والامقامی که کتابهای آسمانی و احادیث از ظهور او خبر داده‌اند، کاری صورت نمی‌دهیم؟

پیامبر گرامی ﷺ می‌فرماید: «لو لم یبق من الدنيا إلا یوم لبعث الله رجلاً من أهل بیتی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً». «هرگاه از عمر جهان يك روز بیشتر باقی نمانده باشد، خدا در همان روز، مردی را از خاندان من برمی‌انگیزد تا جهان را پر از داد گرداند، پس از آن که پر از ستم شده باشد.

هنگامی که رسول خدا ﷺ دارقانی را وداع گفت، برخی، روی ناآگاهی یا غرض ورزی منکر مرگ پیامبر ﷺ شدند و گفتند او

نمرده چون هدف رسالت او که گسترش دین اسلام در سرتاسر جهان است، محقق نشده است، زیرا خدا در سوره صف، آیین او را آیین جهانی معرفی می‌کند، و می‌فرماید:

﴿هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه ولو کره المشرکون﴾. (صف/ ۹)

«اوست که پیامبر خود را با هدایت و دین حق برانگیخت، تا او را بر همه ادیان چیره گرداند، هر چند مشرکان را خوش نیاید».

آن کسی که مرگ رسول خدا را منکر شده بود، با خود فکر کرد که این هدف باید در عصر رسول خدا ﷺ محقق شود، ولی از يك نکته آگاه نبود که این هدایت فراگیر زمان می‌برد و مقدماتی لازم دارد که در عصر رسول خدا محقق نیست، و لذا امامان معصوم می‌فرمایند: این هدف فراگیر به وسیله فرزندش جامعه عمل می‌پوشد. امام باقر ﷺ می‌فرماید:

«إن الإسلام قد یظهره الله علی جمیع الأدیان عند قیام القائم».

«خدا هنگام ظهور قائم (عج) اسلام را

بر همهٔ شریعت‌ها چیره می‌سازد».

و یکی از آن مقدمات این است که جامعه از نظر فکری و عقلی به پایه‌ای از کمال برسد که ارزش این هدیهٔ الهی را بداند تا دروازه‌های کشورها را به روی او بگشاید و تا زمانی که در جامعهٔ بشری چنین کمال و رشد فراگیر تحقق نپذیرد، جامعه، شایستهٔ چنین هدیهٔ الهی نیست.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إذا قام قائلنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم وكملت أحلامهم»^(۱)

«آنگاه که قائم آل محمد علیه السلام به پا خیزد، خدا دست پر برکت او را بر سر بندگان می‌گذارد و به برکت او اندیشه‌ها را به نقطهٔ واحدی متوجه می‌کند و عقول آنان به کمال می‌رسد».

از این جهت می‌بینیم دوران حضرت ولی عصر (عج) دوران درخشان و پر فروغی است و گروهی که در آن زمان به استقبال حضرت می‌روند، برترین انسان‌های روی زمین حساب می‌شوند، چرا؟ زیرا از نظر

فکر و اندیشه به حد کمال می‌رسند.

امام معصوم علیه السلام می‌فرماید:

«إن أهل زمان غيبتة القائلين بامامة المنتظرين ظهوره أفضل من أهل كل زمان لأن الله تبارك وتعالى أعطاهم من العقول والافهام والمعرفة ما صارت به الغيبة بمنزلة المشاهدة».

«کسانی که در عصر غیبت آن

حضرت به سر می‌برند، و امامت او را پذیرا می‌باشند و منتظر ظهور او هستند از مردم زمانها برترند، زیرا خدای بزرگ درهای معرفت را به روی آنان گشوده است. از این نظر غیبت و حضور در نظر آنان یکسان است».

بنابراین تا شرایط مناسب فراهم نشود حضرتش ظهور نخواهد کرد و کسانی که برای ظهورش وقت معین می‌کنند، از نظر روایات، دروغگو هستند. از امام باقر علیه السلام پرسیدند: ظهور آن حضرت در چه سالی است، سه بار فرمود: «كذب الوقاتون» «آنان که وقت تعیین می‌کنند دروغگو هستند».

و از دعای معروف به دعای سلامتی آن حضرت، یعنی «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ ...» غفلت نشود، زیرا علاوه بر آن که دعا، سلامتی آن حضرت را بیمه می‌کند، خود این، نوعی توجه به آن حضرت پدید می‌آورد تا پیوسته این امام غائب، در دلها حاضر و در قلوب جای عظیم داشته باشد.

بنابراین در عصر انتظار علاوه بر تربیت انسانهای مؤمن و جامعه پاک برای ظهور حضرتش وظیفه دیگری نیز داریم و آن صدقه برای سلامتی آن حضرت است. باید بدانیم که آن حضرت به سان همه انبیا و اولیا گاهی آماج بلاها و مصائب هست ولی به وسیله صدقه شما بلا رفع می‌شود.

امام صادق علیه السلام:

«لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ، إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ، الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ». وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ».

«برای قائم دو غیبت است، یکی کوتاه، و دیگری طولانی، در غیبت نخستین جز خواص شیعیان از جایگاه او مطلع نمی‌شوند و در غیبت دومی فقط خواص خدمتگزاران از جایگاهش مطلع می‌شوند».

کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰